

سُورَةُ الشُّورَىٰ ٤٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

حم

﴿١﴾

عسق

﴿٢﴾

حا و میم سرّیست از ربّ جهان عین و سین و قاف هم رمزِ نهان
كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿٣﴾

این‌چنین وحی آورد سوی تو حق قبلِ تو نیز بر رسولان در سبق
آن خدای مقتدر، ربّ‌الکریم ایزدِ دانا عزیز است و حکیم
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

﴿٤﴾

اوست مالک بر زمین و آسمان رتبتش اعلا و اعظم، بی‌کران
تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۚ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ
فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

هست نزدیک تا که بشکافند ز هم
 این سپهر و آسمان‌ها زیر و بم
 هم ملائک نیز به اذکارِ مُبین
 حمد گویند ذاتِ ربِّ العالمین
 قدسیان در استغاثه اجمعین
 مغفرت خواهند بر خلق زمین
 کردگار آن ذاتِ یکتای کریم
 بهر مخلوقات غفورست و رحیم

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِیْظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

آن کسانی که ز شرک و از خطا
 برگرفتند سرپرستی جز خدا
 بر عملکردهای ایشان زین گناه
 هست ناظر ذاتِ یکتای اله
 تو نباشی ای رسولا! در جهان
 نه وکیل و نه وصی بر مردمان

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ
 فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

ما نمودیم وحی قرآن این‌چنین
 با زبانِ تازی، آیاتِ مُبین
 تا دهی هشدار اندر زندگی
 ساکنان شهرِ مادرِ جملگی
 همچنین اطراف آن جمله بلاد
 بر هدایت در طریق و بر رشاد
 سخت هشدار دهی از یومِ دین
 که در آن شکی نباشد بالیقین
 فرقه‌ای وارد شوند در جنتان
 فرقه‌ای قعرِ جهنّم، جاودان

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ
 مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

گر اراده می نمود حق بالعیان اُمّتی واحد بیاورد در جهان
 هر که را خواهد ولی از حکمتش می کند مشمول لطف و رحمتش
 ظالمان را لیک نباشد بی گمان یاور و ناصر، خدا در دو جهان
 أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۖ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



غیر حق را برگرفتند سرپرست؟ لیک فقط آن ذات یکتا یاورست
 زنده سازد مردگان را کردگار بر همه چیز قادر است پروردگار
 وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ۖ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ



آنچه را بر آن نمایند اختلاف بر جدال آید همی روی خلاف
 حکم آن جاری بود از کردگار او که باشد ربّ من نیز آشکار
 من بر او دارم توکل در امور با انابه بر درش آرم حضور
 فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا ۚ يَذُرُّكُمْ فِيهِ ۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ



اوست خالق بر سماوات و زمین و هر آنچه هست در آنها اجمعین
 بهرتان از جنس خود جفت آفرید همچنین جفت بهر حیوان شد پدید
 تا بماند خلق یزدان مستمر هر چه بر روی زمین شد مستقر
 مثل و ماندی ندارد کردگار او سمیع و هم بصیر است آشکار

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ



هست کلیدِ آسمان‌ها و زمین جمله در دستانِ ربِّ العالمین
 رزقِ وافر می‌دهد بر هر که خواست یا دهد تنگیِ رزق با کم و کاست
 این بود از حکمتِ ربِّ کریم بر همه چیز آگه و باشد علیم

﴿ شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۚ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴾

﴿ ۱۳ ﴾

حق بدادتان همان آیین و دین که سفارش کرد نوح را بر همین
 بر تو وحی کردیم رسولا! بس صریح همچو ابراهیم و موسیٰ و مسیح
 که به پا دارید آیینِ اله تفرقه در آن نیارید هیچ‌گاه
 این بود شاق از برای مشرکین که بیارند روی بر آیین و دین
 برگزیند هر که را خواهد خدا تا نشان داده ره راست و خطا
 بر هدایت می‌رسند آن بندگان گر بخوانند با تضرع ریشان

﴿ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِمَّنْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴾

﴿ ۱۴ ﴾

تفرقه برپا نکردند آن فِرَق جز ز بعدِ آن نشانی‌های حق
 یعنی علم و آگهی بر کردگار همچنین بُرهان و حجت آشکار
 از فزون‌خواهی خود در زندگی بر تعدی آمدند در بندگی
 گر نمی‌بود سبقتی اندر کلام که خدا از وقت معلوم بُرده نام
 بهر ایشان می‌رسید حکمی شدید تا عقوبت‌ها کنون آید پدید
 آن کسان که وارثند بر این کتاب آشکار است اندر آن آیات ناب
 شک بیاوردند ز روی جهل به آن چون گرفتند راهِ آن پیشینیان

فَلَذَلِكَ فَادَعُ^ط وَاسْتَقِمْ^ط كَمَا أُمِرْتَ^ط وَلَا تَتَّبِعْ^ط أَهْوَاءَهُمْ^ط وَقُلْ^ط آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ^ط اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ^ط
وَأُمِرْتُ^ط لِأَعْدِلَ^ط بَيْنَكُمْ^ط اللَّهُ رَبَّنَا^ط وَرَبُّكُمْ^ط لَنَا^ط أَعْمَالُنَا^ط وَلَكُمْ^ط أَعْمَالُكُمْ^ط لَا حُجَّةَ^ط بَيْنَنَا^ط وَبَيْنَكُمْ^ط
اللَّهُ يَجْمَعُ^ط بَيْنَنَا^ط وَإِلَيْهِ^ط الْمَصِيرُ^ط

﴿۱۵﴾

ای رسول! سوی حق بس استوار	پس بدین رو دعوتی کن آشکار
تو بگو از این کتابِ آسمان	هم مشو پیرو ز نفسِ مردمان
پیروی خواهم نمود من هر ورق	تابعم بر آنچه نازل شد ز حق
تا کنم حکم از عدالتِ بینتان	همچنین مأمور هستم در جهان
در عدالت حکمِ او لامُنْتَهَاسْت	ذاتِ یکتا ربِّ من، ربِّ شماست
بر شما هر چه رسد آن هم رواست	اجرِ ما از حق یقین بر دوشِ ماست
بین ما دیگر تمام شد حجتی	بعد از این‌گونه کلام و آیتی
سوی او هم بازگردیم بی‌گمان	حق تعالی جمع نماید بندگان

وَالَّذِينَ يَحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ
غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

﴿۱۶﴾

کرده با حق در ره دین احتجاج	آن کسان کز راهِ کین و از لجاج
آن هدایت‌ها و آیات از رسول	بعد از آنکه مردمان کردند قبول
خشم حق از بهرِ آنها عاجل است	حُجَّتشان نزد ایزد باطل است
تا که بینند بس عذابهای شدید	کیفری هست بهرِ این قومِ پلید

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ^ط وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ^ط

﴿۱۷﴾

آن خدایی که بکرد نازل کتاب بوده برحق و به میزان و حساب

تو چه دانی کی رسد آن یومِ دین بلکه نزدیک باشد و بوده قرین
يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا^ط وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ^ق أَلَا
إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

﴿۱۸﴾

آن کسان کایمان ندارند بر حساب بر ظهورِ آخرت دارند شتاب
خاشعند لیکن ز محشر مؤمنین چون که حق دانند قیامِ یومِ دین
آن کسانی که به شکند و ستیز بر وقوع و ساعت آن رستخیز
سخت در گمراهی باشند و پلید بر ضلالت می‌روند دور و بعید
اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ^ط وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

﴿۱۹﴾

حق تعالیٰ هست لطیف و مهربان بر همه خلقِ جهان و بندگان
می‌دهد روزی به هر که خواهد آن بر اساس حق و حکمت در جهان
او تواناست و عزیز از هر جهات غالب و هم مقتدر بر کائنات
مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ^ط وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا
لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

﴿۲۰﴾

هر که خواهد بهره او از آخرت بهره‌اش افزون کنیم از مغفرت
آن که خواست حاصل فقط در این می‌دهیمش بهره‌ی دارِ فنا
سرا
لیک در عقبی^۱ بود او بی‌نصیب بهر آن روز حساب نزد حسیب
أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ^ج وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ^ق
وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

غافلان را هست شریک بر کردگار؟ شرع و آیین‌هایی اندر روزگار؟
 که همه باشد بدون اذنِ حق؟ راهشان جعلی به باطل منطبق
 گر کلامِ فصل نمی‌بود در حساب یعنی فرصت بهر تأخیر در عذاب
 حکم می‌شد بس شدید در بینشان بر هلاکت می‌رسیدند ظالمان
 بر ستمکاران و این قومِ لئیم هست مهیا بس عذابهای الیم

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ^ق وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ^ع ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

ظالمان را بینی در روزِ حساب در هراسند ز آنچه کردند اکتساب
 وانگهی آید فرود از بهرشان بد عذابی، حاصل اعمالشان
 آن کسان که گشته مؤمن در حیات کارِ صالح کرده‌اند از هر جهات
 بهرشان باغِ بهشت هست جایگاه هست مهیا هر چه خواهند از اله
 در بساطِ قُرب و لطفی بی‌نظیر می‌شوند مشمولِ آن فضلِ کبیر

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ^ق قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى^ا وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا^ج إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

این بشارت باشد آنکه آشکار داده بر مخلوق خود پروردگار
 بندگانِ که شدند از مؤمنان کارِ صالح نیز نمودند در جهان
 گو، رسولاً! اجر نخواهم از شما از رسالت که بگشتم رهنما
 جز مودّت، هم محبتِ آشکار بهر خویشانم کنید در روزگار
 هر که نیکی کرد از راهِ و داد نیکی افزون می‌کنیم بر او زیاد
 ذاتِ ایزد مهربان است و غفور بر عبادش قدردان هست و شکور

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۚ فَإِنْ يَشِإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۖ وَيَمَحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ
وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

﴿۲۴﴾

چون که حُبِّ اقربا اجرِ نبیست
یعنی گفتند این بود یک افترا
گر اراده می نمود لیک ربِّ تو
لیک سخن‌هایی که باطل بوده‌اند
حق بود ثابت، همیشه برقرار
آگه‌ست یکتا اله بی‌کم و کاست
عده‌ای گفتند دروغی بیش نیست
این‌چنین حرفی به آیاتِ خدا
مُهرِ خاموشی بزد بر قلبِ تو
محو می‌سازد خدا زین گونه پند
با کلامی که سزد از کردگار
از رموزی که درونِ سینه‌هاست

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

﴿۲۵﴾

او خدایبست که بود توبه‌پذیر
بندگان را او ببخشايد گناه
و بود دانا به کرده‌ها اله
وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۚ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
شَدِيدٌ

﴿۲۶﴾

هم دعاهاشان نماید مستجاب
همچنین بر کارِ نیکو در جهان
حق‌تعالی هم ز فضل و از کرم
لیک گروهی که شدند از کافران
گر بوند مؤمن بدان روزِ حساب
مستمرند و شوند از صالحان
می‌کند افزون بر ایشان بس نعم
هست عذابی بهر ایشان بس گران

﴿٥﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ
خَبِيرٌ بَصِيرٌ

گر دهد روزی و رزق بیش بر عباد بهر رزق و رونق و هم اقتصاد
 ظلم و طغیان می‌کنند و بس فساد در زمین، در شهرها و هر بلاد
 لیک فرستد آن حدود که اقتضاست هر چه خواهد، حکمت او مقتضاست
 زانکه حق باشد به حال بندگان آگه و بینا به اسرارِ نهان

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

می‌کند نازل خدا از آسمان آبِ باران بر زمین گردد روان
 بعدِ آنکه می‌شوند مخلوق همه ناامید از رحمتش در واهمه
 رحمتِ حق لیک باشد مستمر هر کجا خواهد نماید منتشر
 هست علامتش به آیات مجید آن خدایی که ولی هست و حمید

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

هم یکی آیت ز آیاتش یقین هست خلق آسمان‌ها و زمین
 و آنچه که باشد پراکنده در آن یعنی هر جنبنده‌ای در بی‌کران
 دُور هم آرد، نماید جمعشان گر بخواهد آن خداوند جهان

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ

بهرتان گر که مصیبت‌ها به پاست حاصلِ دستانتان از هر خطاست
 حق‌تعالیٰ هست بینا و خبیر او ببخشايد گناهان را کثیر

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

﴿۳۱﴾

هیچ کدامین از شما اندر زمین نیستید قادر یقیناً اجمعین
که رهانید خویش را در روزگار از قدیر بی‌نیاز، آن کردگار
غیر یزدان آن خداوندِ خبیر بر شما نیست هیچ یاور یا نصیر

وَمِنَ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

﴿۳۲﴾

از دگر آیاتِ حق بهرِ نشان سیرِ کشتی در دلِ دریا روان
روی امواج می‌روند مانند کوه که بود این هم ز آیاتِ شکوه

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

﴿۳۳﴾

گر بخواهد، باد بایستاند خدا گشته بی‌جنبش دگر کشتی به جا
این بود نیز آیتی و یک نشان از برای صابران و شاکران

أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

﴿۳۴﴾

یا اگر خواهد کند غرق قعرِ آب زان عمل‌هایی که کردند اکتساب
بگذرد لیکن خدا از سیئات عفو فرماید کثیر از هر جهات

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيصٍ

﴿۳۵﴾

تا بدانند هر که آرد بالمآل بر سوی آیاتمان جنگ و جدال
 نیست گریزگاهی بر ایشان از عقاب نه مفری و نجاتی از عذاب
 فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ
 رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

﴿۳۶﴾

آنچه آمد دستتان در این جهان هست متاعی فانی آن از بهرتان
 و آنچه هست در نزد ذات کردگار جاودان هست و بماند ماندگار
 این بود مخصوص جمع مؤمنین که یقین دارند به ربّ العالمین
 جملگی دارند توکل در امور بر خداوند کریم و آن غفور
 وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

﴿۳۷﴾

آن کسان کز بد نمایند اجتناب از گناهان بزرگ اندر حساب
 بر کسی گر خشم آرند و غضب جمله را بخشند بی‌عذر و سبب
 وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

﴿۳۸﴾

کرد اجابت هر که از پروردگار در همه وقت نیز نمازش برقرار
 هم نموده در امورات مشورت بینِ هم با حسنِ دید و مغفرت
 می‌کنند انفاقِ رزقِ خویشان که عطا کرده به آنها ذوالمنن
 وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ

﴿۳۹﴾

بهرِ ایشان گر فرا آید ستم دادِ خود گیرند با یاریِ هم
وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

﴿۴۰﴾

گر کسی کرده بدی اندر مرام بر همان میزان سزد زو انتقام
لیک اگر بخشندشان اولیٰ ترست نزد ایزد این چنین والاترست
دوست ندارد ذاتِ ربّ العالمین آن ستمکاران و قومِ ظالمین
وَلَمَنْ اِنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ

﴿۴۱﴾

هر کسی مظلوم واقع شد تمام گر بخواهد نصرتی بر انتقام
نیست حرج از بهرِ ایشان بالمآل زین طریق بر او نمی آید سؤال
إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۴۲﴾

هست سؤال لیکن ز بهرِ آن کسان که کنند ظلم و ستم بر مردمان
بس شرارت‌ها بورزند در زمین کارشان ناحق همگی اجمعین
ظالمانی این چنین باشند لئیم جملگی بیند عذاب‌های الیم
وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

﴿۴۳﴾

هر که صبر آرد و بخشاید ستم این دو خصلت از بزرگی هست هم
وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ ۖ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ
إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ

هر که را گمره نماید کردگار یاوری نیست بهر او در روزگار
 آن زمان بینی جمیع ظالمان تا که بینند آن عقوبت را عیان
 این چنین گویند با حسرت و آه کای خداوندِ غفور و ای اله!
 بهر ما آیا بود ممکن چنین؟ بازگشتی سوی دنیا، بالیقین؟

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا
 إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

بنگری آنکه ز بهرِ ظالمان می دهند قعرِ جهنم را نشان
 جملگی با ترس و ذلت زیر چشم ناظرند بر آتش و بر قهر و خشم
 مؤمنان گویند آری این خسان جملگی باشند ز جمعِ خاسران
 که زیان بر خود زده روی ستم بر کسان و خاندانش نیز هم
 در قیامت ظالمان گردند مقیم قعر دوزخ با عذاب های الیم

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ

هیچ کسی نیست یاور و یاری رسان غیر ایزد از برای آن خسان
 گر کسی را حق ببخشد گمرهی بر نجات او نباشد هیچ رهی

إِسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا
 لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ

رَبّتان را پس اجابت آورید پیش از آنکه سرزند روز وعید

روزی که نبود مفری هیچ‌رو نه پناه و یآوری جز ذاتِ هو
هم ندارید راهِ انکاری به پیش حاصلِ نیات و هم اعمالِ خویش

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ ۚ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَحَ بِهَا ۖ وَإِن تَصْبِهِمْ سَيِّئَةً بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

﴿۴۸﴾

پس اگر که روی بتابند جاهلان بعد از این آیات و این‌گونه نشان
نیست حرج بر تو رسولِ مهربان! چون نگهبان تو نباشی بهرشان
هست تکلیفِ تو ابلاغِ پیام که بخوانی دعوتِ حق با کلام
چون چشانیم رحمتی بر آدمی می‌شود شاد و فرحناک او همی
گر رسد محنت ولیکن کم و بیش زآنچه با دستان خود آورده پیش
آدمی گردد در آن دم ناسپاس می‌شود در راه کفر، حق ناشناس

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ

﴿۴۹﴾

حق تعالی مالک‌الملکست یقین بر زمین و آسمان‌ها اجمعین
آفریند هر چه خواهد بالعیان کاین بود از حکمتِ ربِّ جهان
هر که را خواهد دهد دختر عطا یا اگر خواهد پسر بخشد خدا

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا ۖ وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

﴿۵۰﴾

یا اگر خواهد همی ذاتِ خدا هم پسر بخشد و دختر، هر دو را
هر که را خواهد خداوندِ حکیم می‌کند از داشتنِ فرزندِ عقیم
بر همه چیز آگهست و هم خبیر بهرِ هر کاری توانا و قدیر

﴿ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ﴾

﴿ ۵۱ ﴾

هم نشاید آدمی را هیچ‌گاه
جز مگر بر وحی از سرّ نهان
یا رسولی حق فرستد از ملک
کان شود القا از اذن خدا
او بود مافوق و هم اعلاترین
هم حکیم است ذات ربّ العالمین
که بیاید در سخن با او اله
از پس پرده شود الهام به آن
تا پیامی آورد خالی ز شک
که بود خالی ز وهم و از هوی
و کَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

﴿ ۵۲ ﴾

بر تو وحی کردیم ما نیز این‌چنان
پیش از این آگه نبودی از کتاب
لیک قرار دادیم آن را روشنی
هر که را خواهیم ز جمعِ بندگان
پس کنون تو رهنمایی ای نبی!
سوی تو شد ز امر ما، روحی روان
هم نه از ایمان و نه روز حساب
بر هدایت سوی حق و ایمنی
با همان نور، هادی گردم بالعیان
بر ره راست، جمله خلق و آدمی

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

﴿ ۵۳ ﴾

راهی را باید بپویند با یقین
ملک او هست آسمان‌ها و زمین
بازگشت جمله اعمال و امور
که شود منتج به ربّ العالمین
و هر آنچه هست در آنها اجمعین
هست بر سوی خداوند غفور